فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره بیست و سوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۴۱-۳۱ New Period, No 23, 2020, P 31-41
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

اثرات تمرکززدایی بر یادگیری در کلاس درس

دکتر سیداحمد هاشمی[۱]. علیرضا تنوری[۲]
۱ . دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران
hmd_hashemi@yahoo.com
۲ . دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم وتربیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، لامرد، ایران
Salehroosta49@gmail.com

چکیده
مقاله حاضر، براساس پژوهشی با عنوان اثرات تمرکززدایی بر یادگیری در کلاس درس تهیه شده است. مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی[۱]است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. موضوع تمرکز و عدم تمرکز از موضوعاتی است که در تاریخ آموزش‌وپرورش محل بحث و منازعه علمای تعلیم و تربیت و خط‌مشی‌های آموزشی بوده است. تاریخ یک صد ساله‌ی اخیر، یعنی قرن بیستم، خود به تنهایی نمایانگر آن است که بسیاری از نظام‌های آموزش با مسئله‌ی تمرکز و عدم تمرکز دست به گریبان بوده‌اند. بودن در یکی از دو قطب متمرکز و غیرمتمرکز یا حتی قرار گرفتن بر روی طیفی از تمرکز و عدم تمرکز یک امر مدیریتی است و مبتنی بر نوع مدیریت سیاسی، اجتماعی و جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک دولت‌ها است. هر یک از نظام‌های تصمیم‌گیری دارای مقتضیات و معایب و مزایای خاص خویش هستند. نظام آموزشی ایران دارای مشخصات متمرکز است و اغلب در پاسخ به مشکلات این نظام به دنبال احیای نظام غیرمتمرکز هستند. وقوع این پدیده، یعنی عدم تمرکز در ساختار نظام آموزشی در مولفه‌های گوناگونی نظیر تصمیم‌گیری، ساختار اداری، مالی و. . . صورت می‌پذیرد.

واژه‌های کلیدی: تمرکززدایی، تمرکز، عدم تمرکز، تعلیم و تربیت، آموزش.

1- analytic-descriptive

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-09-14]

مقدمه

باید دانست سبک و روشی که دولت‌ها برای ادارهٔ امور عمومی اتخاذ نموده‌اند یکسان نیست. بلکه سبک اداره هر کشور عمدتاً تابع اوضاع سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی، مقتضیات زمان و مکان، عقاید و آراء فائق بر جامعه و یا به طور کلی تابع رشد سیاسی و اجتماعی و فرهنگی افراد آن جامعه است. تمرکز کارکردی است در مورد اینکه قدرت تصمیم‌گیری تا چه حدی به سطوح پائین‌تر سازمان واگذار شده است. هیچ سازمانی کاملاً متمرکز یا کاملاً غیرمتمرکز نیست (Brooks, Martin G. 2015). امروزه مدیران، آن مقدار از تمرکز یا عدم تمرکز را برمی‌گزینند که به آنها کمک کند به بهترین نحوی تصمیماتشان را اجرا کنند و به اهداف سازمانی دست یابند (استرون، ۱۳۸۷). مشارکت در امر تدوین برنامه‌های درسی، برحسب نوع نظام آموزشی و میزان تمرکز و عدم تمرکز، در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است (گودرزی، محمدعلی، ۱۳۸۵). این مشارکت، اشکال و سطوح مختلفی دارد؛ استفاده از شورای متخصصان در امر تدوین برنامه به صورت مستقیم، استفاده از نظرات معلمان به صورت سازمان یافته و دریافت مشورت از والدین و جامعه‌ی محلی، هیأت‌های علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، و مشاوران خارجی، جلوه‌هایی از همین مشارکت است. درگیر شدن نمایندگان صنعت و بازرگانی و ارائه مشاوره درباره برنامه درسی، به خصوص در زمینه‌ی آموزش‌های فنی وحرفه‌ای در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته، یک ضرورت به حساب می‌آید. در بعضی از کشورها، مشورت با شرکای آموزش‌وپرورش، براساس قانون، الزامی است (ایزدی، ۱۳۷۹). هدف این مشورت و نیز روش‌های به کار گرفته شده، از کشوری به کشور دیگر، متفاوت است. می‌توان بعضی از روش‌های مشارکت را اینگونه برشمرد: ملاقات‌های حضوری، برگزاری سمینارها، کارگاه‌های آموزشی، گردهمایی‌های عمومی، ارسال پرسشنامه به مدارس، تحقیق و اجرای آزمایشی مدارس تجربی و استفاده از اینترنت (مک لگان، ۱۳۷۷).

نظام‌های تصمیم‌گیری و مشارکت

یکی از مسایل اساسی در نظام برنامه‌ریزی درسی، پاسخ به این پرسش است که تصمیمات برنامه‌های درسی باید توسط چه کسانی و در چه سطحی گرفته شود؟ متخصصان برنامه‌ریزی درسی، در پاسخ به این سؤال، سه نوع نظام برنامه‌ریزی درسی متمرکز، غیرمتمرکز و نیمه‌متمرکز را معرفی نموده‌اند (بهرامپور، ۱۳۷۸). در نظام برنامه ریزی درسی متمرکز، معمولاً برنامهٔ درسی را نهاد مرکزی تهیه می‌کند و مناطق و مدارس به اجرای وفادارنهٔ آن ملزم می‌باشند. در نظام برنامه‌ریزی درسی غیرمتمرکز، تمامی اختیارات به سطوح پایین‌تر واگذار می‌شود و هر یک از واحدها آزادی و اختیار عمل دارند. در نظام برنامه‌ریزی درسی نیمه متمرکز، سیاست‌ها و چارچوب‌ها را نهاد مرکزی تدوین می‌کند و بخشی از اختیارات به مناطق و مدارس واگذار می‌شود و نظارت و کنترل از سوی نهاد مرکزی اعمال می‌شود (مهرمحمدی، محمود، (۱۳۸۱). نظام برنامه‌ریزی درسی کشورهای مختلف را بر حسب میزان تمرکز و فقدان

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-09-14]

تمرکز[1] می‌توان بر روی یک پیوستار قرار داد (بهرام‌پور، ۱۳۷۸). نظام برنامه‌ریزی درسی ایران، در طی یکصد سال گذشته، گاه به سمت تمرکز و گاه به سمت غیرمتمرکز بودن میل نموده است (سلسبیلی، ۱۳۸۶).

تمرکز

هر یک از نظام‌های تصمیم‌گیری، مقتضیات خاص خویش را دارند (ایزدی، ۱۳۷۹، بهرام‌پور، ۱۳۷۸). تمرکزگرایی در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی، دیدگاه سنتی و حاکم در حوزه برنامه‌ریزی درسی است و کار طراحی و تدوین برنامه‌های درسی در اکثر نظام‌های آموزشی جهان، حتی تا اواخر قرن بیستم میلادی، به صورت متمرکز دنبال شده است (سلسبیلی، ۱۳۸۶). تمرکزگرایی در برنامه‌ریزی درسی به مقدار زیادی در بستر سیاسی، تاریخی، اجتماعی و اقتصادی ملت، دولت‌ها و نظام‌های آموزشی آنها ریشه دارد. در نظام‌های تمرکزگرا تمایل عمومی به سمت کنترل متمرکز همه مراحل طراحی و تولید برنامه‌های درسی، از تبیین اهداف مدرسه و تدوین برنامه درسی تا اجرای برنامه درسی و ارزشیابی از نتایج برنامه و آموخته‌های دانش‌آموزان وجود دارد. پیام برنامه درسی متمرکز این است که تهیه و گسترش برنامه درسی، وظیفه معلمان نیست (گویا و ایزدی، ۱۳۸۲). در چنین نظام‌هایی، آزمون‌ها و امتحانات تا حدود زیادی جهت‌دهنده آموزش هستند. اشراف و تسلط بر مطالب درسی، یکی از مهمترین هدف‌های یادگیری است و توانایی‌های مفهومی و رو به رشد شاگردان اهمیت کمتری پیدا می‌کند (بروکس[2] ۲۰۱۵). دستیابی به حداقل صلاحیت، نتیجه‌ای مطلوب تلقی می‌شود (گویا و ایزدی، ۱۳۸۲) و معمولا فهرست بلند بالایی از اهداف رفتاری، که دانش‌آموزان باید به آنها برسند و معیارهای موفقیت نیز بر اساس آنها تعیین می‌شود، وجود دارد. در سه دهه اخیر در سراسر دنیا تمایل چشمگیری برای کنار گذاشتن تمرکز در حوزه‌های مختلف برنامه‌ریزی آموزش‌وپرورش وجود داشته است (کارلن[3] ۲۰۱۶). قسمتی از شکست‌ها و ناکامی‌های آموزشی در سراسر جهان به نظام متمرکز برنامه‌ریزی نسبت داده می‌شود (کارلن، ۲۰۱۶). اینکه از چه زمانی، تقاضا برای داشتن سهمی در تصمیم‌گیری‌های آموزش و پرورش شده است برمی‌گردد به آغاز جریان متمرکز کردن برنامه‌ریزی آموزش‌وپرورش و خواسته دولت‌ها در اینکه آموزش را زیر چتر خود درآورند. نظام‌های آموزشی دنیا در قرن‌های گذشته به اشکال غیرمتمرکز و با تصمیم‌گیری در سطح موسسه تربیتی اداره می‌شدند. برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور از لحاظ تاریخی دارای سابقه قابل توجهی است (گویا و ایزدی، ۱۳۸۲). می‌توان گفت، هدف، محتوا، روش، زمان، شیوه‌های ارزشیابی به روش غیرمتمرکز یعنی تعیین همه چیز توسط معلم و مربی انجام می‌گرفته است. با پدید آمدن اتفاقات بی‌شمار در مباحث دولت و ملت و خواسته دولت در جهت‌دهی ملت و پاره‌ای دلایل دیگر، دولت‌ها به تامین اعتبار سراسری آموزش‌وپرورش پرداختند. این موضوع باعث شد، دولت‌ها آرام آرام به تعیین حدود دخالت خود در مدارس بیاندیشند و عامل برنامه ریز درسی را در خدمت خویش گرفتند تا خواسته‌های دولت‌ها را به سان اسنادی مکتوب در اختیار مجریان (معلمان)

1- Centralized-Decentralized
2- Brooks
3- Karlsen

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-09-14]

قرار دهد. با این حال، شیوه متمرکز در طی این سال‌ها دشمنان زیادی پیدا کرده است. امروزه اغلب کشورها خواهان کنار گذاشتن شیوه متمرکز در برنامه‌ریزی‌های خود هستند (مارتین و الباز، ۲۰۱۸).

تمرکز جدید

این در حالی است که گسترش محیط‌های مجازی و الکترونیکی احتمالا باعث می‌شود شیوه متمرکز ادامه یابد (سراجی، ۱۳۸۶). محیط‌های مجازی و الکترونیکی ظرفیت‌های مهمی را برای آموزش به وجود آورده است. در برنامه‌های درسی مبتنی بر وب، افرادی مانند متخصص فناوری اطلاعات، طراح گرافیک و متخصص رسانه، نقش بارزتری در تعیین عناصر برنامه درسی به عهده دارند (سراجی، ۱۳۸۶). اگر گروه برنامه‌ریز درسی مبتنی بر وب، از لحاظ توانایی‌های مربوط به مدیریت یادگیری و مهارت‌های تعلیم و تربیت در سطح بالایی قرار داشته باشند، می‌توانند برنامه درسی را تولید کنند که تاثیر مثبتی در یادگیری‌ها ایجاد می‌کنند. در چنین وضعیتی برنامه درسی نوعی برنامه‌ریزی متمرکز است. در این نوع برنامه‌ریزی، موسسه‌ای که بتواند کیفیت بالاتری را ارائه کند، متقاضیان بیشتری را جلب خواهد کرد و از سراسر دنیا به آن موسسه از طریق وب مراجعه می‌کنند و بر اساس علاقمندی، آنچه را که آن موسسه ارائه می‌کند، مطالعه می‌کنند. بنابراین، مدیریت آن موسسه تربیتی، مباحث مالی، مباحث محتوا، هدف، روش‌ها، شیوه‌های ارزشیابی و غیره، به دست آنهایی است که در آن موسسه نقش‌های مسئولیتی دارند. سراجی (۱۳۸۶) می‌گوید در نظام برنامه‌ریزی درسی ایران، به دو دلیل اساسی نمی‌توان برنامه‌های درسی مبتنی بر وب را غیرمتمرکز دانست:

۱. ترکیب تصمیم‌گیرندگان: سازمان پژوهش و دفتر تالیف کتب درسی، استادان دانشگاه و متخصصان موضوعی، اعضای اصلی تصمیم‌گیرندگان برنامه‌های درسی الکترونیک هستند. معلمان، مدیران مدارس، والدین و دانش‌آموزان در مقام شاخص‌های تصمیم‌گیری در نظام غیرمتمرکز برنامه درسی، تاثیر چندانی در آن برنامه‌ها ندارند.

۲. توانایی معلمان: پژوهش اسلامی (۱۳۸۳) درباره میزان دسترسی و استفاده از اینترنت نشان می‌دهد که ۹۸ درصد از معلمان در مدرسه به اینترنت دسترسی ندارند و تنها ۳۶ درصد از آنها در خانه به آن دسترسی دارند (اسلامی و همکاران، ۱۳۸۳). سطح دسترسی به اینترنت یکی از شرایط لازم استفاده از برنامه‌های درسی مبتنی بر وب است. بنابراین در چنین وضعیتی نمی‌توان برنامه‌های درسی مبتنی بر وب در ایران را از نوع غیرمتمرکز دانست (هاشمی، ۱۳۹۴).

مزایای تمرکز

۱- وقتی مدیران عالی تصمیم‌های اساسی را اتخاذ می‌کنند، می‌توانند فعالیت‌های مختلف را هماهنگ کنند و میان نیازهای بخش‌های مختلف سازمانی تعادل ایجاد کنند (استرون، ۱۳۸۷).

۲- تمرکز می‌تواند هزینه‌ها را کاهش دهد زیرا تصمیم‌های اساسی را مدیران اتخاذ می‌کنند، و منابع و فعالیت‌ها در سطوح پایین تداخل نمی‌یابند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-09-14]

۳- وقتی موقعیت بحرانی ایجاد شود، تمرکز اطمینان می‌دهد که مدیران با تجربه تصمیمات بزرگ را اتخاذ خواهند کرد و ملاحظات مهم را در نظر خواهند داشت (استرون، ۱۳۸۷).

معایب تمرکز

معایب سیستم متمرکز به طور مختصر عبارت است از : زیاد شدن خطوط ارتباطی و سلسله مراتب سازمانی، تلف شدن وقت مدیران، جنبه شخصی تصمیم‌ها و خط‌مشی‌های مدیران، گسترش علایق مدیران در زمینه‌های تخصصی، عدم هماهنگی در مناطق اجرای عملیات که از حیطه‌ی نظارت مستقیم مدیران دور می‌باشد و از طرف مدیران ستادی مختلف تغذیه می‌شود (هاشمی، ۱۳۹۱)، عدم توجه دقیق به نیازهای اختصاصی، عدم آشنایی با شرایط و موقعیت‌های اختصاصی، امکان ناسازگاری برنامه‌ها با موارد اختصاصی (استرون، ۱۳۸۷).

عدم تمرکز

محتوا و مبنای اصلی اندیشه تمرکززدایی، اعطای مسئولیت به جامعه انسانی است که در جامعه‌ای بزرگتر قرار گرفته است، به نحوی که مستقیماً در اداره امور مربوط به خود نقش داشته باشد (بهرام‌پور، ۱۳۷۸). تمرکززدایی را می‌توان به معنای انتقال قدرت از سطح نظارتی بالاتر به سطح پایینتر استان، منطقه، مدرسه و کلاس درس بدانیم (سلسبیلی، ۱۳۸۶). در دهه‌های اخیر، تمرکززدایی در آموزش‌وپرورش به منظور به حداکثر رساندن سهم سطوح پایین‌تر و افزایش مشروعیت و کارآیی نظام‌های آموزشی و اجرای مطلوبتر برنامه‌های درسی، سیری رو به توسعه داشته است و بیشتر کشورها در نقاط مختلف جهان، آن را دنبال کرده‌اند. سابقه این بحث به دهه ۱۹۵۰ برمی‌گردد (هاشمی، ۱۳۹۱). در آن زمان برنامه‌های درسی را عمدتاً صاحبنظران و متخصصان موضوعی ــ که اصلی‌ترین وظیفه را در تولید برنامه‌های درسی برعهده داشتند ــ تهیه می‌کردند و معلمان، به عنوان مصرف‌کننده، صرفاً مجری برنامه‌های درسی تولید شده بودند. در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، به دلیل تحولات گسترده در حوزهٔ علوم و فناوری و نیز ناکارآمدی برنامه‌های درسی که به صورت متمرکز تهیه می‌شدند، حرکت به سوی برنامه‌های درسی غیرمتمرکز و افزایش مشارکت افراد و گروه‌های ذینفع در تصمیمات برنامهٔ درسی آغاز گردید. در واقع در دههٔ ۱۹۷۰ و اوایل دههٔ ۱۹۸۰ به مدارس و معلمان به عنوان نیروهای مؤثر در امر برنامه‌ریزی درسی نگریسته شد و برنامه‌هایی چون: تصمیم‌گیری در محیط مدرسه[1] برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه[2] و مدیریت مدرسه محور[3] مطرح گردید (برادی، ۲۰۱۹). «طرفداران تمرکززدایی، در دفاع از عقاید خود، ادله متعددی ارائه می‌دهند. آنها عقیده دارند که تمرکززدایی پاسخی منطقی به چالش های امروز است. تمرکز زدایی به حقانیت نظر دانش‌آموزان و اعتقاد به برتر، سنجیده‌تر و صحیح‌تر بودن فکر و تصمیم جمع انبوهی از دانش‌آموزان یک جامعه نسبت به قضاوت و نظر یک فرد یا یک گروه، هرچند که آن فرد یا گروه خبره یا متخصص یا دانشمند باشند، مبتنی است. زیرا متخصص، خبره و دانشمند همواره

1- School-Site Decision Making
2- Development Curriculum Based School
3- Management Based - School

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-09-14]

کاشف همه حقایق نیستند» (جاویدی کلاته جعفرآبادی، ۱۳۸۶). آنان با همه خبرگی و بصیرت علمی اغلب به جزء ناچیزی از حقایق و اطلاعات مربوط به هر مورد یا هر موقعیت، که در آن تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند، وقوف دارند. در حالی که تصمیم‌گیری‌ها در حوزه برنامه درسی، بر نظر خبرگان این رشته و نیز نظر دانش‌آموزان، فرصتی برای اطلاع یافتن از کل حقایق و واقعیت‌هایی که لازمه تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی است، فراهم می‌آورد (بشارت، ۱۳۷۸). استدلال دیگر حامیان اندیشه تمرکززدایی این است که این امر پاسخی منطقی به وضعیت و چالش‌های امروز است. زیرا تمرکززدایی مشارکت همه جانبه افراد را در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی درباره سرنوشت خود ایجاب می‌کند. از نظر این افراد، از سویی مشارکت حقانیتی فطری، اخلاقی و معنوی است و از سوی دیگر، همانگونه که تحقیقات ۱۹۸۰ به بعد نشان می‌دهند، مشارکت افراد در فعالیت‌های تصمیم‌گیری سازمان، کار مدیریت را بسیار مولدتر، موفقیت آمیز و کاراتر می‌کند. در ارتباط با این سوال که آیا با رفتن به سوی عدم تمرکز که سالهاست آرزوی اصحاب آموزش است، آرزوهای تعلیم و تربیت برآورده می‌شود؟ بایستی بدانیم که تعلیم و تربیت واگذار شده به خود موسسات، دارای معایب خاص خود است (گویا و خسروشاهی، ۱۳۸۶). مطالعه تجارب تمرکززدایی آموزشی در کشورهای گوناگون، نشان می‌دهد که با وجود این که ارتقای کیفیت آموزش همواره یکی از دغدغه‌های نظام‌های آموزشی است، هدف اصلی تمرکززدایی، ارتقای آموزشی یا اصلاحات آموزش نیست. یک بررسی اجمالی تاریخی که هنسون انجام داده است، نشان می‌دهد که این نوع اصلاحات، اغلب در عرصه‌های سیاسی پدید می آیند و معمولا با انگیزه‌های پنهانی و غیررسمی پیش می‌روند. انگیزه‌هایی مانند: کاهش بودجه‌های ملی با واگذاری هزینه‌های آموزشی به واحدهای مهم (آرژانتین، چین، ونزوئلا)، شکستن قدرت اتحادیه‌های معلمان (شیلی و مکزیک)، تقویت کنترل سیاست‌ها در سطح ملی در پشت نقاب عدم تمرکز (چین، مکزیک) و. . .

مزایای عدم تمرکز

۱- در سازمان غیرمتمرکز مدیران عالی با تصمیم‌های خود بار سنگینی بر دوش کسی نمی‌گذارند و به جای تاکید بر تصمیم‌ها، بر نتایجی که بر کل سازمان اثر دارد، تاکید می‌ورزند.

۲- سازمان‌های غیرمتمرکز به سرعت می‌توانند به تغییرات محیطی پاسخ گویند، زیرا مدیران محلی با شرایطی که اختیار تصمیم‌گیری در آن شرایط را دارند، آشنا می‌باشند و به جای آن که منتظر بمانند تا تصمیم‌ها از زنجیره‌ی فرماندهی به آنان ابلاغ شود در زمان مناسب تصمیم‌های ضروری اتخاذ می‌کنند.

۳- عدم تمرکز برای مدیران سطح پایین‌تر امکان کسب تجربه در زمینه‌ی تصمیم‌گیری را فراهم می‌کند، و این مدیران برای اجرای درست تصمیماتی که سطوح بالاتر اتخاذ کرده‌اند نیز آمادگی بیشتری می‌یابند و برانگیخته می‌شوند (استرون، ۱۳۸۷).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-09-14]

معایب عدم تمرکز:

۱- به علت تنوع امکانات انسانی و مادی در مناطق مختلف به ویژه امکانات علمی، فنی و اقتصادی، برخورداری همگان از امکانات آموزشی به صورت یکسان ممکن نخواهد بود، و مناطقی که از امکانات مالی و انسانی بهتری برخوردارند، بهره‌وری بیشتری خواهند داشت و سرانجام، آموزشی طبقاتی پدید خواهد آمد و فرصت‌های آموزشی متفاوت اند.

۲- بر اثر دخالت مستقیم مردم با نظارت آنان در آموزش‌وپرورش منطقه، احتمال حضور و نفوذ گروه‌های متعدد محلی که شاید بعضا نیز ناصالح باشند، زیاد بوده و این دخالت آنان موجب می‌شود که دستگاه آموزش‌وپرورش خود وسیله‌ای برای تحقق اهداف آنان شود.

۳- تکیه و تاکید زیاد بر توجه به نیازمندی‌های محلی، خود ممکن است هدف‌های ملی و مقاصد کلی جامعه و کشور را تحت الشعاع اساسی قرار داده، تفرق در برنامه‌های درسی و فعالیت‌های آموزشی را پدید آورد.

۴- در شیوه‌ی غیرمرکزی به علت عدم تشابه برنامه و تفرق در بهره‌وری از عناصر لازم فرهنگی ممکن است وحدت ملی و فرهنگی مورد تهدید قرار گیرد (استرون، ۱۳۸۷).

تمرکز و فقدان تمرکز در برنامهٔ درسی

اگر قلمرو معرفتی برنامهٔ درسی را بر اساس نظر شورت، شامل طراحی و مهندسی برنامهٔ درسی بدانیم، تمرکز و فقدان تمرکز یکی از مباحث مطرح در حوزهٔ مهندسی برنامهٔ درسی است. شورت در مدل خود فرایند برنامه‌ریزی درسی را شامل قشرهای خاستگاه برنامهٔ درسی، دست‌اندرکار و میزان انعطاف برنامه می‌داند (به نقل از مهرمحمدی، ۱۳۸۱). شورت معتقد است خاستگاه برنامهٔ درسی می‌تواند عمومی یا مختص یک آموزشگاه باشد که در آن صورت کاربرد آن برنامه، اختصاصاً، برای همان آموزشگاه است. او سه حالت برای مشارکت در برنامهٔ درسی قائل است: استیلای متخصصان دانشگاهی، استیلای خبرگان آشنا به محیط و شرایط، و بالاخره مشارکت متوازن و هماهنگ. شورت میزان دخل و تصرف در برنامهٔ درسی طراحی‌شده در اجرا را شامل: برنامه‌های مقاوم در برابر معلم، معلم به عنوان مجری فعال، و معلم به عنوان برنامه‌ریز درسی می‌داند.

تمرکز و فقدان تمرکز در نظام برنامه‌ریزی درسی ایران

از سال‌ها پیش، نظام اداری و تشکیلاتی ایران نظامی متمرکز بوده و دولت خود تصدی بسیاری از امور را بر عهده داشته است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با اجرای برنامهٔ سوم و چهارم توسعه اقدامات مؤثری به منظور کاهش تمرکز، به‌ویژه در زمینهٔ فعالیت‌های اقتصادی، انجام شده است. هماهنگ با این سیاست‌ها، طی سال‌های اخیر وزارت آموزش‌وپرورش نیز نسبت به اصلاح ساختار تشکیلاتی اقدام نموده و اختیارات ادارات کل آموزش و پرورش را به سطح اختیارات سازمان در سطح استان‌ها افزایش داده است. به‌رغم افزایش اختیارات مالی و مدیریتی استان‌ها، متأسفانه هنوز برنامه‌های درسی در کشور به صورت کاملاً متمرکز طراحی و اجرا می‌گردد. مطالعات انجام‌شده و شواهد موجود در نظام برنامه‌های درسی دوره‌های آموزش عمومی و متوسطهٔ ایران حاکی از متمرکز بودن نظام طراحی و تولید برنامه‌های درسی یکسان برای تمام دانش‌آموزان است (سلسبیلی، ۱۳۸۶). این برنامه‌ها معمولاً محتوا

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-09-14]

محور، و به‌شدت به کتاب درسی واحد متکی می‌باشند، تفاوت‌های فردی، اقلیمی، اجتماعی، منطقه‌ای و محیطی در آن مورد توجه نیست و محتوا حالت ابلاغی، رسمی، تجویزی و همگانی دارد. همان‌گونه که مطرح شد، این نوع برنامه‌ها الزاماً، به طور جزئی، موضوعات درسی، مهارت‌ها و توانایی‌هایی را که دانش‌آموزان باید به آن دست یابند، بیان می‌کنند و امکان نفوذ عوامل اصلی فرایند یاددهی ــ یادگیری (معلم و دانش‌آموز) را فراهم نمی‌آورند. هرچند تجربه نشان داده است که بین برنامهٔ درسی تجویزی با آنچه واقعاً در مدارس و کلاس‌های درس اتفاق می‌افتد، گاه تفاوت‌های بسیاری وجود دارد؛ امری که محققان از آن، به عنوان «شکاف اجرایی» یاد می‌کنند و می‌تواند مشکلاتی اساسی را فرا روی اجرای برنامه‌های درسی و تحقق اهداف مورد نظر آن قرار دهد. در این سطح از تمرکز، مربیان ملزم هستند برنامهٔ درسی تهیه‌شده را، بدون توجه به نیازهای فردی یادگیرنده و شرایط محلی، بی‌کم‌وکاست اجرا نمایند. اشراف و تسلط دانش‌آموزان بر محتوای کتاب درسی، یکی از هدف‌های مهم یادگیری است، و آزمون‌ها جهت‌دهندهٔ آموزش هستند. به همین دلیل معلمان بخش زیادی از فعالیت‌های آموزشی خود را بر دانش و مهارت‌هایی که قرار است توسط آزمون‌ها ارزیابی گردد ــ نه آنچه دانش‌آموزان برای زندگی واقعی به آن نیاز دارند متمرکز می‌کنند. نتیجهٔ اجرای این برنامه‌ها این است که آزمون‌ها آنچه را برای دانستن اهمیت دارد تعیین و تعریف می‌کنند، و آموزش را به این سمت که هر پرسش فقط یک پاسخ صحیح دارد هدایت می‌نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می‌شود که تمرکزگرایی و تمرکززدایی در قلمرو آموزش‌وپرورش در عالم خارج به نحو مطلق امکان ظهور ندارد. بنابراین، تاریخچه نظام‌های آموزش‌وپرورش در کشورهای گوناگون، گویای دو جریانی است که از یک سو ناظر بر تمرکززدایی در نظام‌های متمرکز و از سوی دیگر، متوجه تمرکززدایی در نظام‌های غیرمتمرکز است. نظام آموزش‌وپرورش در ایران از نوع نخست است که تمایل به غیرمتمرکز شدن دارد. اقتضائات و ضرورت‌های خاص در ایران بدلایلی از جمله، حافظه‌مداری در آموزش‌ها و پاسخ مداری به جای مساله مداری، عدم فعالیت شاگردان در مدرسه به عنوان یادگیرنده و موارد دیگری که بر شمرده شد، نیاز به نظام آموزشی با فعالیت بیشتر دانش‌آموزان را طلب می‌کند که به نظر می‌رسد نوعی برنامه درسی غیرمتمرکز پاسخگوی مشکلات باشد. این موضوع در حالی است که نظام آموزش الکترونیکی در حال آمدن است و احتمالا به صورت متمرکز خواهد بود و نوع جدیدی از تمرکز را پدید خواهد آورد.

پیشنهادات کاربردی

برنامه درسی متمرکز و غیرمتمرکز در نظام آموزشی و مقایسه وضع موجود آموزشی با وضع مطلوب آن است تا با مشخص شدن کاستی‌ها، تصمیمات لازم در مورد آنها اتخاذ شود. لذا دراین خصوص پیشنهاد می‌گردد:

۱- پیشنهاد می‌شود یک معلم فهیم باید این عوامل مخل و سربار را شناسایی کرده و حتی‌المقدور درصدد رفع و یا کاهش آنها برآید.

۲- پیشنهاد می‌شود افزایش تناسب و انعطاف‌پذیری با نیازهای محلی انجام گیرد.

۳- پیشنهاد می‌شود تولید نیاز قوی‌تر محلی و تامین منابع بیشتر برای آموزش‌وپرورش در نظر گرفته شود.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-09-14]

۴- پیشنهاد می‌شود نظام آموزش‌وپرورش از راهکارهای موثرتری برای پاسخگویی برابری داشته باشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-09-14]

فهرست منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

ـ استرون، حسین، (۱۳۸۷ساعت) وبلاگ علوم تربیتی، نوشته شده در یکشنبه ششم بهمن ۵۸: ۱۰

ـ اسلامی، محسن و همکاران، (۱۳۸۳) برنامه درسی در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات، تهران، آییژ.

ـ ایزدی، صمد، (۱۳۷۹) طراحی الگوی نیمه‌متمرکز برای نظام برنامه‌ریزی درسی ایران و نقش معلمان در فرایند برنامه‌ریزی درسی، رساله دکتری دانشگاه شهید بهشتی.

ـ بشارت، علیرضا، (۱۳۹۷) اختیارات محلی را باید به مردم هر محل واگذار کرد، مجموعه مقالات موضوعی برگزیده مدیریتی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

ـ بهرامپور، کیومرث، (۱۳۷۸.) مسئله عدم تمرکز در ایران و پیشنهادهایی برای تحقق آن، مجموعه مقالات موضوعی برگزیده مدیریتی،

ـ جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره، (۱۳۸۶) الگوی برنامه درسی مذاکره‌ای، رهیافتی نو برای تمرکززدایی از آموزش متوسطه، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال اول، شماره ۴،

ـ سراجی، فرهاد، (۱۳۸۶.) برنامه درسی مبتنی بر وب: گامی به سوی تمرکززدایی یا تشدید تمرکز در نظام برنامه‌ریزی درسی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، شماره ۴، بهار

ـ سلسبیلی، نادر، (۱۳۸۶) گذار نظام برنامه‌ریزی درسی ایران به سمت عدم تمرکز در طراحی و تدوین برنامه درسی، با تاکید بر برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال اول، شماره ۴، بهار.

ـ گودرزی، محمدعلی، (۱۳۸۵) مطالعه و طراحی نظام برنامه‌ریزی درسی منطقه‌ای گروه پژوهشی علوم تربیتی جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، .

ـ گویا، زهرا و ایزدی، صمد، (۱۳۸۲)، برنامه درسی ملی، تمرکز و عدم تمرکز در برنامه‌ریزی درسی، در جستجوی الگوی مناسب، گزارش پژوهش محور مطالعاتی چهارم از مجموع مطالعه در مسائل و مباحث اساسی حوزه برنامه‌ریزی درسی و روش‌های تدریس، تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

ـ گویا، زهرا، قدکساز خسروشاهی، لیلا، (۱۳۸۶) تبیین جدیدی برای تمرکز و عدم تمرکز در ایران، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، سال اول، شماره ۴، .

ـ محمدی، مهر. (۱۳۸۱)، برنامه‌ریزی درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها، و چشم‌اندازها.

ـ مک لگان، پاتریشیا، عصر مشارکت، ترجمه مصطفی اسلامیه (۱۳۷۷).

ـ مهرمحمدی، محمود، (۱۳۸۱) برنامه‌ریزی درسی نظرگاه‌ها رویکردها و چشم‌اندازها، انتشارات آگاه، تهران، .

ـ هاشمی، سیداحمد (۱۳۹۱). آموزش عالی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد.

ـ هاشمی، سیداحمد (۱۳۹۱). فرهنگ و تعلیم و تربیت، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد.

ـ هاشمی، سیداحمد (۱۳۹۴). برنامه‌ریزی درسی (اصول و کاربرد)، انتشارات تایماز.

ـ هاشمی، سیداحمد، حضرتی، عباس (۱۳۹۴). اندازه‌گیری و سنجش در علوم تربیتی، انتشارات تایماز.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-09-14]

ب) منابع لاتین

__ Beverly, Abbey (2019). Instructional and cognitive impacts of web based education, idea group publication.

__ Brooks, Martin G. (2015). Centralized Curriculum: Effects on the Local School Level. In the Politics of Curriculum Decision-Making. State University of New York.

__ Elbaz, F, (2018). Teacher participation in curriculum development. in international Encyclopedia at curriculum development pergaman press.

__ Karlsen, G. E (2016). Decentralized-Centralism, Governance in education: Evidence from Norway and British Colombia, Canada.

__ Kearsley, Grey, (2017). Online education, learning and teaching in cyberspace. Mary Noel.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-09-14]

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-09-14]